

مقاله پژوهشی: طراحی الگوی مناسب بودجه‌ریزی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تعامل با نهادهای حاکمیتی

اصغر صالح اصفهانی^۱، الیاس نادران^۲، سعید مجریدی^۳، احمد امیرآبادی فراهانی^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۱۸

چکیده

بودجه‌ریزی نیروهای کل مسلح جمهوری اسلامی ایران یکی از موارد بسیار مهمی در راستای دستیابی به اهداف و مأموریت‌های دفاعی و امنیت ملی کشور محسوب می‌شود؛ لذا میزان بودجه و مقدار تخصیص و سرعت آن، اهمیت ویژه‌ای برای نیروهای مذکور دارد و این عوامل رابطه مستقیمی با تعامل نیروهای مسلح و نهادهای حاکمیتی نظیر دولت و مجلس دارد. بر این اساس ایجاد یک تعامل و انسجام بین نهادهای مختلف و نیروهای مسلح از لحاظ تبیین اهداف و مأموریت‌ها و همچنین بودجه کافی و به‌موقع، نیازمند یک الگوی منظم علمی است که بتواند دستیابی به اهداف را تسریع کرده و از توقف و کندی مأموریت‌های مشخص‌شده نیز جلوگیری نماید. هدف مقاله حاضر ارائه الگوی مناسب بودجه‌ریزی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تعامل با نهادهای حاکمیتی می‌باشد. مقاله حاضر به لحاظ هدف یک تحقیق کاربردی-توسعه‌ای و از حیث ماهیت جزو تحقیقات توصیفی همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق، مدیران و اعضای باتجربه نهادهای حاکمیتی (شورای عالی امنیت ملی، ستاد کل نیروهای مسلح، قوه مقننه، قوه مجریه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان) به تعداد ۱۰۰ نفر است که نمونه‌گیری در این تحقیق بر اساس اشباع نظری و نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۹۷ نفر انتخاب شدند. همچنین ابزار گردآوری داده‌های موردنیاز از طریق اسناد موجود و همچنین پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان‌دهنده تعامل نامناسب دولت و ستاد کل نیروهای مسلح در زمینه تهیه، تنظیم و پیشنهاد و اجرای بودجه‌ریزی نیروهای مسلح می‌باشد؛ درحالی‌که همین ارتباط و تعامل بین مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و ستاد کل نیروهای مسلح در وضعیت مناسبی قرار داشته و در حوزه تصویب، ابلاغ و نظارت بر بودجه‌ریزی نیروهای مسلح نیز همین ارتباط بهینه می‌باشد. همچنین ستاد کل نیروهای مسلح به‌عنوان حلقه واسط نقش مثبت و مؤثری را در پیشنهاد، تصویب، تخصیص و نظارت بر بودجه‌ریزی نیروهای مسلح در کشور ایفاء می‌کند.

کلیدواژه‌ها: بودجه‌ریزی نیروهای مسلح، نهادهای حاکمیتی، ستاد کل نیروهای مسلح.

۱. دانشیار مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی.

۲. دانشیار اقتصاد دانشگاه تهران.

۳. دکترای دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

۴. دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول). Amirabadi90@gmail.com - ۰۹۱۲۲۵۱۵۵۲۱

۱. مقدمه

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از ارکان دفاع و امنیت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هستند که برنامه و اهداف و مأموریت‌های تعیین‌شده، برای حفظ و پایداری از انقلاب اسلامی، کیان کشور و تقویت بنیه‌های نظام تلاش می‌نمایند. در این راستا یکی از موارد بسیار مهمی که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را در دستیابی به اهداف و مأموریت‌ها یاری می‌نماید، بودجه‌ای است که برای آن‌ها تهیه، تنظیم، پیشنهاد، تصویب و تخصیص داده می‌شود. لذا میزان بودجه و مقدار تخصیص و سرعت آن، اهمیت ویژه‌ای برای نیروهای مذکور دارد. این کمیت و سرعت در تعامل نیروهای مسلح و نهادهای حاکمیتی نظیر دولت و مجلس نهفته است که تدابیر فرمانده معظم کل قوا و ابلاغ مأموریت‌های دیگر از سوی شورای عالی امنیت ملی و ستاد کل نیروهای مسلح حجم مأموریت‌های این نیروها را مشخص می‌نماید. در این راستا ایجاد یک تعامل و انسجام بین نهادهای مختلف و نیروهای مسلح از لحاظ تبیین اهداف و مأموریت‌ها و همچنین بودجه کافی و به‌موقع، نیازمند یک الگوی منظم علمی است که بتواند دستیابی به اهداف را تسریع کرده و از توقف و کندی مأموریت‌های مشخص‌شده نیز جلوگیری نماید.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعم از ستاد کل، ارتش، سپاه، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، نیروی انتظامی و بسیج با انواع تقسیم‌بندی خود یکی از پیچیده‌ترین نیروهای مسلح جهان محسوب می‌شوند که سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت آن در سطح کلان نیازمند یک سند راهبردی یکپارچه و هماهنگ می‌باشد.

یکی از ظرفیت‌ها و ابزارهایی که در تحقق اهداف و مأموریت‌های کلان و راهبردی نیروهای مسلح بسیار مؤثر بوده و به‌نوعی موتور محرکه آن محسوب می‌شود، بودجه‌ای است که سالانه با سازوکارهای ویژه خود که با ارائه دولت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در مرحله اجرا تحت نظارت قرار می‌گیرد.

در حوزه بودجه‌ریزی نیروهای مسلح، هرچند الگوی مشخصی وجود دارد لیکن این الگو در خصوص نحوه تعامل با نهادهای حاکمیتی جهت تضمین تحقق مأموریت نیروهای

مسلح جمهوری اسلامی ایران با ضعف‌هایی مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

مسئله اول این است که مرجع صاحب صلاحیتی که بتواند بودجه نیروهای مسلح را متناسب با اهداف و مأموریت‌های آن در لایحه تدوین نماید مشخص نیست و این امر می‌تواند مشکلاتی را در تحقق برنامه‌ها و مأموریت بخش دفاع و امنیت^۱ ایجاد نماید. لذا باید مشخص کرد که آیا بودجه‌ای که دولت ارائه می‌نماید و مجلس شورای اسلامی آن را تصویب می‌کند متناسب با اهداف، مأموریت‌ها و سیاست‌های تعیین‌شده برای نیروهای مسلح می‌باشد یا نه؟ و آیا از پایداری لازم برخوردار است؟

مسئله دوم این است که تحقق اهداف و مأموریت‌های نیروهای مسلح، چه منابعی لازم دارد و چه بخشی از آن را می‌توان فراتر از بودجه عمومی کشور پیش‌بینی نمود؟ از طرفی نیز باید مشخص شود صلاحیت تخصیص بودجه بین نیروهای مسلح همراه با پاسخگویی بر عهده چه مرجعی است؟

مسئله سوم محرمانه بودن بخشی از بودجه نیروهای مسلح است که حسابرسی خاص و مشخص خود را می‌طلبد و در قالب رسیدگی‌های عادی تفریغ بودجه نمی‌توان به آن ورود کرد؛ لذا ضروری است الگوی مناسب در زمینه بودجه‌ریزی نیروهای مسلح که بتواند مسائل فوق‌الذکر را حل نماید، ارائه گردد زیرا فرایند و سازوکار بودجه‌ریزی و تقسیم بودجه بین نیروهای مسلح و نحوه نظارت بر آن مسائلی هستند که باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد؛ بر این اساس نحوه تعامل نیروهای مسلح با سایر نهادهای حاکمیتی در زمینه تنظیم سند بودجه بسیار اهمیت پیدا می‌کند.

از آنجایی که دولت‌ها بودجه حوزه دفاع و امنیت را با توجه به محدودیت‌های درآمدی و منابعی خود پیشنهاد داده و به تصویب می‌رسانند، ممکن است نیروهای مسلح از دستیابی به اهداف و مأموریت‌های تعیین‌شده، باز بمانند. در برخی موارد نیز این کمبود بودجه نه تنها می‌تواند موجب نگرانی در حفظ اقتدار، دفاع و امنیت شود بلکه ممکن است بین

نیروهای مسلح دولت و مجلس نیز نوعی چالش و حتی اختلال در تحقق اهداف را ایجاد نماید که نتیجه آن جز توقف و یا کندی دستیابی بخش دفاع و امنیت به اهداف و مأموریت‌های مشخص تعیین شده چیز دیگری نخواهد بود. لذا مسئله‌ای که در این میان وجود دارد چگونگی تأمین اعتبار نیروهای مسلح می‌باشد به نوعی که استقلال آن‌ها را حفظ نموده و از توقف و کندی احتمالی دستیابی و اهداف آن‌ها جلوگیری نماید و از سویی نگرانی‌های نیروهای مسلح را برای ارتقای توان و آمادگی‌های دفاعی برطرف کرده تا بتوانند به تجدید ساختار و بهبود فرایندها و فناوری‌های روز دنیا دست یابند.

موارد اشاره شده مسائلی است که در فرایند بودجه‌ریزی کشور تاکنون بدون پاسخ مانده است که بررسی علمی و ارائه یک الگو و روش علمی و منطقی را برای پرداختن به این مسائل مورد تأکید قرار می‌گیرد. لذا مسئله اصلی این تحقیق چگونگی تعامل نهادهای حاکمیتی با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در حوزه بودجه‌ریزی جهت تأمین اهداف و مأموریت‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

بر این اساس مقاله حاضر با هدف دستیابی به یک الگوی مناسب بودجه‌ای برای نیروهای مسلح در تعامل با نهادهای حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران، تلاش می‌کند ضمن توجه به مقدرات تأمین منابع بودجه عمومی کشور و محدودیت‌هایی که دولت در زمینه تأمین منابع دارد. با تطبیق واگذاری منابع به سایر بخش‌های کشور و بررسی اهمیت، اولویت‌بندی و همچنین تطبیق مقدار بودجه دفاعی جمهوری اسلامی ایران و برخی از کشورهای منطقه و فرا منطقه‌ای نسبت به بررسی علمی نظام بودجه‌ریزی نیروهای مسلح و نحوه تحقق اهداف و مأموریت‌های نیروهای مسلح نیز مورد مطالعه و مبادرت نماید.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در تعاریف اولیه، بودجه‌بندی به عنوان علم ایجاد موازنه منطقی بین دخل و خرج، از جمله تجربه‌های طبیعی و قدیمی بشر محسوب می‌شد. تمایل روزافزون مردم به توسعه تمدن، ضرورت وجود دولتی در رأس امور را لازم ساخته و نخستین وظایف دولت در محدوده‌های دفاع، امنیت و عدالت را شکل داد. البته انجام این وظایف محدود نیز

هزینه‌هایی را برای دولت و جامعه دربر داشت که می‌بایستی افراد جامعه آن را تأمین می‌نمودند. به تدریج و همگام با توسعه و پیشرفت و تعالی جوامع، وظایف دولت‌ها نیز سنگین‌تر و مهم‌تر و درعین حال پیچیده‌تر گردید. امروزه، دولت‌ها مسئولیت‌های دشواری از قبیل؛ نوسازی اقتصادی، ایجاد اشتغال، ایجاد تعادل و ثبات اقتصادی و غیره بر عهده دارند که برقراری نظم، امنیت و عدالت، فقط بخش کوچکی از آن را تشکیل می‌دهد. امروزه برای دولت‌ها سه وظیفه اصلی تخصیص، توزیع و تثبیت تعریف شده است. منظور از وظیفه تخصیص، تقسیم منابع تولید بین کالاها و خدمات خصوصی و عمومی می‌باشد. همچنین، تعدیل توزیع درآمد و ثروت، به منظور انطباق‌پذیری آن با رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی، در حیطه وظیفه توزیع بودجه قرار می‌گیرد و درنهایت، استفاده از سیاست بودجه‌ای به‌عنوان ابزاری برای تثبیت متغیرهای کلان اقتصادی، در حیطه وظیفه تثبیت بودجه دولت قرار می‌گیرد. بودجه‌بندی را فرآیند تخصیص منابع محدود، به نیازهای نامحدود می‌دانند؛ بنابراین، در مجموع، کوشش‌هایی که صرف تدوین و تخصیص منابع می‌شود، به منظور استفاده حداکثر از منابع کمیاب با صرف حداقل هزینه، برای تحصیل حداکثر منافع می‌باشد. اصولاً بودجه‌ریزی نبض حکومت است و روند بهینه آن باعث سلامت نظام و اجتماع و رضایت عمومی و اختلال در این فرآیند، پیامدی جز از کارافتادن دیگر اعضای حیاتی پیکره جامعه، به دنبال نخواهد داشت (احمدی، ۱۳۹۰).

بودجه‌ریزی در ایران، با وجود جایگاه ممتاز برنامه‌ریزی و اهمیتی که بودجه در تهیه و اجرای برنامه‌های مختلف از جمله عمرانی دارد، ابزاری کارآمد نیست. تهیه و تصویب بودجه برای هر دوره مالی توان قابل توجهی از نیروهای کارشناسی دستگاه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و بحث‌های گسترده‌ای را بین قوای اجرایی و قانون‌گذاری مطرح می‌کند. فرآیند تهیه و اجرای بودجه در نیم‌قرن گذشته به مسئله پیچیده و دشواری در مدیریت بخش عمومی مبدل شده است که پیامدهای نامطلوب و رو به تزاید خود را بر دولت تحمیل می‌کند. از دیدگاه مسئولین، بیشتر دشواری‌ها و مسائل بودجه ایران معلول نارسایی‌های منابع و امکانات مالی انگاشته می‌شود، درحالی‌که تحلیل ساختارها و عملکردهای بودجه‌ای اخیر در مقایسه با منابع و امکانات مالی دولت‌ها بیانگر واقعیت

دیگری است (طالب نیا و غازانی، ۱۳۸۹). در حقیقت در ایران ما علاوه بر نیاز به افزایش منابع به تغییر در الگوی بودجه‌ریزی نیازمندیم.

یکی از اولویت‌های اصلاح ساختار اقتصادی کشور، اصلاح روش‌های بودجه‌ریزی و توزیع منابع در سازمان‌های دولتی است. آنچه تحت عنوان بودجه‌ریزی در دستگاه‌های اجرایی کشور رایج است شیوه‌های سنتی است که هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره هزینه شدن اعتبارها و میزان کارایی و اثربخشی برنامه به دست نمی‌دهد، همچنین این نوع سیستم‌های بودجه‌ریزی افق کوتاه‌مدت دارند و از نگهداری هزینه‌ها در حساب‌های بلندمدت عاجز هستند و منجر به کاهش اقتدار مدیریت دستگاه برای بودجه می‌شود. بودجه از دیدگاه اقتصادی و مدیریت، در سال‌های اخیر مفاهیم کاملاً تازه‌ای به خود گرفته که با مفاهیم شناخته‌شده سنتی آن به‌طور اساسی متفاوت است. مفاهیم سنتی زمان اقتصاددانان کلاسیک در خصوص بودجه دولتی و مجاز شمردن

دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی، خاصه به شکل جدید آن در کشورهای جهان سوم، جای خود را به مفاهیم و ضوابط جدیدی سپرده‌اند (صفری و غلام‌رضایی، ۱۳۸۵).

نظریه‌پردازان طرفدار انتخاب عمومی بر این نکته تأکید دارند که محدود ساختن رفتارهای منفعت‌طلبانه نهادهای حاکمیتی همچون قوای مقننه و مجریه به وضع قوانین نیازمند است. نمونه بارز کاربرد این نظریه «قانون تعادل بودجه» می‌باشد. بااین‌وجود، متخصصان مالیه عمومی و نظریه‌پردازان حقوقی به‌جز قواعد مالی کمی، از ایجاد معیارهای قانونی برای نظام‌های بودجه‌پرهیز کرده‌اند. این در حالی است که سازمان‌های بین‌المللی برای ویژگی‌های مطلوب شفافیت بودجه‌ای رهنمودهای جامعی منتشر کرده‌اند؛ اما صراحتاً از ویژگی‌هایی که باید در قوانین داخلی گنجانده شوند؛ نام نبرده‌اند.

نیاز به استفاده از منابع عمومی در تأمین امنیت، به‌خصوص در تأمین مخارج نظامی، به شکست بازار باز می‌گردد. در حقیقت شکست بازار به این معنا است که یا بازار در آن بخش تولیدی ندارد و یا در بازار تولید صورت می‌گیرد اما نه در مقدار بهینه. حالت اول را شکست کامل بازار و حالت دوم را شکست جزئی بازار می‌نامند. امنیت نه تنها از جمله موارد شکست بازار می‌باشد بلکه از آنجایی که کالای عمومی محسوب می‌شود لذا از جمله

موارد شکست کامل بازار محسوب می‌گردد. در نتیجه برای حفظ امنیت (که بستر لازم برای تمامی فعالیت‌های اقتصادی است و همان‌طور که بانک جهانی اعلام کرده است ثبات اقتصادی و اجتماعی و امنیت انسانی پیش‌شرط لازم برای توسعه باثبات می‌باشد) (بانک جهانی، ۲۰۰۱)، باید از منابع عمومی استفاده شود.

استفاده از بودجه می‌تواند به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری یا برنامه‌ریزی، به‌منظور سیاست‌های دفاعی صورت گیرد تا به‌وسیله آن درآمدها و هزینه‌های بودجه‌ای چند هدف ویژه را در جهت پیشبرد اهداف دفاعی و امنیتی و جلوگیری از بروز بحران تأمین کنند. مهم‌ترین هدف این است که از نظر سیاست‌های دفاعی و مقاصد مربوط به استفاده از منابع، صورت‌های بودجه‌ای بتوانند هدف‌های استفاده از منابع مالی و همچنین چگونگی اختصاص منابع به هزینه‌های مصرفی در بین بخش‌ها را معلوم کنند. برنامه‌ریزی مالی در سازمان‌های دفاعی، بیشتر متضمن مفاهیمی چون طرح‌ریزی برای آینده و استفاده هدفمند از منابع مالی می‌باشد. مهم‌ترین عواملی را که منجر به گرایش برنامه‌ریزی در بودجه‌بندی سازمان‌های دفاعی می‌شود، می‌توان در توسعه تجزیه و تحلیل‌های متعدد و پیچیده دفاعی و نقش آن در شکل‌گیری سیاست‌ها دفاعی و همچنین در توسعه فنون جدید اطلاعاتی و تصمیم‌گیری و کاربرد آن در سیاست‌گذاری دانست (لطفی و سایرین، ۱۳۹۵).

بودجه به‌عنوان بیان مالی عملیات دولت مهم‌ترین سند دولتی است که دستگاه‌های اجرایی را در دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه کشور و انجام دادن اثربخش وظایف خود یاری می‌رساند. مسئله‌ای که وجود دارد این است که نظام جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تاکنون مورد هجوم دشمنان اسلام و استعمارگران بوده است و همواره تهدیداتی از سوی آمریکا و هم‌پیمانانش متوجه ایران بوده است. از این‌رو لازم است جمهوری اسلامی ایران همیشه برای مقابله با هر نوع تهدید در هر سطحی آماده و هوشیار باشد. از سوی دیگر این آمادگی دفاعی نیاز به منابع مالی فراوانی دارد که بخش قابل‌توجهی از بودجه کل کشور را به خود اختصاص می‌دهد و عدم توجه به این نکته و کوتاهی در تخصیص منابع مالی می‌تواند چرخه پیشرفت‌های فنی در مسائل دفاعی را دچار مشکل و توقیفی کند که باعث خشنودی دشمنان جمهوری اسلامی ایران شود. از این‌رو

پیش‌بینی منابع مالی و بودجه‌ریزی مناسب برای مسائل دفاعی با توجه به تهدیدات، تحریم‌ها و سیاست‌های بین‌المللی از اهم مسائل می‌باشد (عباسیان نقنه، ۱۳۹۵).

بررسی دقیق‌تر وضعیت نظامی منطقه، طی سه دهه گذشته می‌تواند اهمیت اصلاح الگوی بودجه‌ریزی نظامی در جمهوری اسلامی ایران را به‌خوبی روشن سازد.

با توجه به بحرانی شدن محیط رفتاری در منطقه خلیج فارس از سال ۱۳۶۹، یعنی یک سال بعد از تصویب برنامه پنج‌ساله اول اقتصادی، بسیاری از اهداف و برنامه‌های پیش‌بینی شده تحت الشعاع محیط بحرانی و تنش‌هایی قرار گرفت که در زمستان همان سال به وجود آمده و به سرعت همه چیز را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. در این جهت محیط متشنج و بحرانی خلیج فارس از یکسو سیاست‌های دفاعی ایران را تحریک نموده و از سوی دیگر سوءظن همسایگان جنوبی جمهوری اسلامی ایران که عمدتاً تحت تأثیر قدرت‌های مداخله‌گر خارجی بودند را افزایش داد. این امر منجر به افزایش نظامی‌گری منطقه‌ای و مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس گردید؛ و این چیزی است که تحلیل‌گران مسائل امنیت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی منحنی تداوم‌یافته «نظامی‌گری - مناقشه - نظامی‌گری» می‌نامند. علت آن بود که با آغاز جنگ دوم خلیج فارس روند افولی خرید تسلیحاتی که بر اثر سقوط قیمت نفت و کاهش درآمد کشورهای نفت‌خیز عرب از سال ۱۹۸۵ فراهم آمده بود، مجدداً اوج گرفت و از ۵۳/۲ میلیارد دلار در همان سال، به یک‌باره با افزایش صعودی هزینه‌های نظامی تا مرز دو برابر رسید. در واقع گرایش عمده کشورهای خاورمیانه و حوزه خلیج فارس از نیمه دوم دهه ۸۰ در جهت کاهش بودجه‌بندی دفاعی و خرید تسلیحاتی بود؛ اما جنگ خلیج فارس سبب گردید که روند فوق به یک‌باره متوقف گردیده، سوءظن‌ها افزایش یابد و به دلیل مقابله با شرایط متشنج منطقه‌ای هزینه‌های تسلیحاتی کشورهای خاورمیانه به یک‌باره اوج گرفت.

روند فوق بیان‌کننده نوعی پیوستگی در هزینه‌های دفاعی کشورهای منطقه‌ای می‌باشد، زیرا اگر یک کشور با بحران روبرو گردد، کشورهای دیگر این بحران را تهدیدی برای خود دانسته و در نتیجه مبادرت به افزایش هزینه‌های تسلیحاتی خود می‌کنند. افزایش توان تسلیحاتی یک کشور (در شرایط مناقشه و سوءظن) منجر به افزایش هزینه‌های تسلیحاتی

کشورهای دیگر گردیده و در نتیجه به پیوستگی مسابقه تسلیحاتی (بخصوص در شرایط بحرانی) مفهوم واقعی تری می‌دهد، به گونه‌ای که مدار این روند را می‌توان به صورت ذیل مورد توجه قرار داد: «هزینه‌های نظامی عربستان سعودی بشدت تحت تأثیر هزینه‌های نظامی ایران و عراق است، درحالی‌که هزینه‌های نظامی ایران و عراق نیز در ارتباط با یکدیگر بوده و یا از هزینه‌های نظامی عربستان سعودی متأثر می‌گردند.»^۱

با توجه به پیوستگی فوق ضروری بود که توان تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران که در شرایط قبل از بحران (۱۹۸۹) به تصویب رسیده بود، دگرگون شود، به گونه‌ای که به منظور ایجاد بازدارندگی منطقه‌ای، بتواند توان دفاعی خود که ارتباط بسیار زیادی با توان و میزان تأثیرگذاری منطقه‌ای داشت را افزایش دهد؛ اما فشار کشورهای غربی و بخصوص طرح کنترل تسلیحاتی آمریکا برای خاورمیانه که با نوعی «تسلیحات ترجیحی» برای کشورهای محافظه‌کار منطقه همراه بود، افزایش توان نظامی رقبای منطقه‌ای، هم‌زمان با کنترل توان نظامی ایران را دنبال می‌کرد. به همین دلیل، جنگ تبلیغاتی آنان در سیستم افکار عمومی آن کشور و دیگر واحدهای جهانی متوجه «اصول‌گرایی اسلامی» و «رادیکالیسم سیاسی» جمهوری اسلامی ایران گردید. شکل‌گیری چنین جوّی را می‌توان تحت عنوان «عارضه عراقی» نیز مورد تحلیل قرار داد. از آنجاکه تأکید عمده «جورج بوش» در طرح کنترل تسلیحاتی خاورمیانه، عمدتاً در حوزه جنگ‌افزارهای متعارف، هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک بوده و از سوی دیگر برای ایجاد امنیت لازم برای رژیم اشغالگر قدس، مقابله با تولید و آزمایش موشک‌های بالستیک زمین به زمین به عنوان یک ضرورت تلقی می‌گردید، لذا هر کشوری که تحقیقات و یا تلاش‌هایی را در این حوزه‌ها آغاز می‌کرد، از دیدگاه آمریکایی‌ها به عنوان عنصر مخرب و برهم زننده نظم تلقی می‌شد. لذا «طرح کنترل تسلیحات برای خاورمیانه» از طرف جورج بوش و در «می ۱۹۹۱» اعلام گردید که منطقه‌ای به وسعت ایران تا مراکش را در برمی‌گرفت. این در حالی بود که کشور ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در طرح اولیه مستثنا گردیده بودند. همچنین کشورهای محافظه‌کار

حوزه خلیج فارس نیز با مخارج هنگفت نظامی، رکورد جدیدی را در تاریخ نظامی‌گری در خلیج فارس به ثبت رساندند؛ یعنی توان نظامی رقبای منطقه‌ای همواره در حال افزایش بوده است در حالی که ایران، با شانتاژ کشورهای عربی و حامیان غربی آنان، به‌طور مداوم ذیل موارد مختلف از جمله مسائل هسته‌ای، برنامه موشکی، پرونده‌های حقوق بشری، موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس و... با محدودیت‌های متعددی روبه‌رو بوده است.

همچنین، تجربه نظامی ایران در جنگ هشت‌ساله خود با عراق بیان‌کننده آن است که قدرت‌های بزرگ متناسب با شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، برای خنثی‌سازی رفتار و جایگاه بازیگری که از مطلوبیت رفتاری و کارکردی کمتری برخوردار است، موازنه‌سازی محدودکننده‌ای را در دستور کار خود قرار می‌دهند؛ بنابراین، آن کشور برای مقابله با چنین شرایط محدودکننده‌ای که به‌نوعی امنیت ملی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نیازمند یک نیروی بازدارنده قوی، تعیین‌کننده و تأثیرگذار می‌باشد تا در جهت آن و در برابر ترتیبات امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای (که با حضور ایالات متحده از جهت‌گیری رفتاری خاصی برخوردار گردیده و تحریکات جاری از سوی آن کشورها به‌گونه‌ای هماهنگ انجام می‌گیرد)، مقابله نماید. جمهوری اسلامی ایران در شرایط موجود علاوه بر تجربیات هشت‌ساله جنگ و معادلات قدرتی که بعد از جنگ دوم خلیج فارس در منطقه به وجود آمد (و به‌موجب آن، کشورهای عربی مقادیر قابل‌توجهی جنگ‌افزارهای نظامی را تهیه نموده و پیمان‌های دوجانبه دفاعی را با کشورهای منطقه به امضاء رساندند)، تحت تأثیر بی‌ثباتی عمومی منطقه بوده و در جهت آن برای دفاع مؤثر از ارزش‌های موردنظر نظام سیاسی و دفاع از حاکمیت ملی خود نیازمند «بازدارندگی مؤثر و قوی» در مقابل بی‌ثباتی‌های منطقه و تهدیدات ناشی از آن می‌باشد. آینده نامشخص عراق و جنگ قدرت در افغانستان نیز، ضرورت به‌کارگیری «بازدارندگی مؤثر» در استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را مورد تأکید مجدد قرار می‌دهد (متقی، ۱۳۹۵).

مقالات و پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج از کشور پیرامون موضوع رساله

حاضر صورت گرفته است که به اهم آن‌ها در این مقاله اشاره می‌شود:

بخش میدانی (۱۳۹۴) در رساله دکترای خود تحت عنوان آسیب‌شناسی نظام طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی نیروهای مسلح و ارائه الگوی راهبردی برای آن به بررسی موضوع مبادرت نمود و در انتها با ارائه الگوی فرآیندی-کاربردی نمایش ارتباطات لازم در سه حوزه ملی، بخشی و دستگاهی در فرآیند طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی نیروهای مسلح به این موضوع به‌خوبی پرداخته است.

غفار حاجی سالم (۱۳۹۰) در رساله خود تحت عنوان بررسی تحلیلی اعتبارات بخش دفاع در طول ۳۰ سال گذشته و مقایسه آن با کشورهای پاکستان، ترکیه، مصر، برزیل، انگلستان، کره جنوبی، عراق، رژیم اشغالگر قدس و کشورهای همکاری خلیج فارس به بررسی موضوع پرداخت.

رضا جوادیان (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان رویکرد بهینه بودجه‌ریزی در دانشگاه علوم انتظامی به بررسی موضوع پرداخت. در این تحقیق سؤال اصلی تحقیق، یافتن مناسب‌ترین نظام‌های بودجه‌بندی رایج در بهبود روند برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی ارتش بود که نتایج تحقیق حاکی از آن شد روش بودجه‌ریزی مناسبی در دانشگاه اجرایی شود که با اجرای آن می‌توان گامی اساسی در بهینه نمودن بودجه‌ریزی دانشگاه علوم انتظامی و رسیدن به اهداف نیروهای انتظامی برداشت.

محسن شجاعی (۱۳۸۳) در تحقیق خود با عنوان نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی در ارتش جمهوری اسلامی ایران به بررسی موضوع پرداخت. نتایج تحقیق حاکی از آن شد که نظام بودجه‌ریزی عملیاتی از سایر روش‌ها (نظیر برنامه‌ای و روش بر مبنای صفر برای نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی) در ارتش جمهوری اسلامی ایران مناسب‌تر است.

شین ماسون (۲۰۱۶) در مقاله خود تحت عنوان بودجه نظامی در هندوستان و پاکستان به بررسی موضوع پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد: پاکستان در راستای افزایش امنیت ملی خود راه دیگری جز افزایش بودجه و تقویت بنیه نظامی خود نداشته است.

هندوستان در سال‌های اخیر بودجه نظامی خود در حوزه سرمایه‌گذاری در بخش کالاهای سرمایه‌ای دفاعی افزایش داده است.

چپا برشوبلی، مایا از گرجستان (۲۰۱۰) در تحقیق خود با عنوان امنیت محیط اقتصادی و به‌کارگیری نظام مناسب طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی اجرایی در گرجستان (۲۰۱۰) به موضوع تحقیق پرداخت. نتیجه حاصله از این مقاله تمرکز اصلی بر روی تدوین صحیح سیاست‌های اجرای بودجه عملکرد پاسخگویی، نظم و انضباط مفرط در امورات مالی و لزوم شفافیت در برنامه‌ریزی‌های نیروهای مسلح است و محقق بر چگونگی توزیع صحیح و درست قدرت مالی در راستای کاهش ناپایداری‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی و اثرات منفی آن در امورات دفاعی و اجرای نظام مناسب طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی اجرایی در گرجستان تأکید نموده است.

با توجه به پیشینه مقالات و تحقیقات پیرامون موضوع رساله حاضر می‌توان نقاط افتراق و اشتراک آن را به‌صورت زیر استنباط نمود:

نقاط اشتراک

تشابه عمده مطالعات (رساله، طرح تحقیقاتی و مقالات) با مطالعه حاضر این است که عمدتاً در خصوص بودجه‌ریزی و ساختار آن بحث کرده‌اند.

نقاط افتراق

در مطالعات انجام‌شده، با وجود ارائه مباحث مناسب در زمینه بودجه و حتی بودجه‌ریزی نیروهای مسلح:

۱. به بودجه‌ریزی نیروهای مسلح در تناسب با اهداف و مأموریت‌های کلان تعیین شده توسط سیاست‌های کلی و اسناد بالادستی کشور توجه عمیقی نشده است.
۲. به نحوه تدوین، تصویب، اجرا و نظارت مناسب بر بودجه نیروهای مسلح و تعامل بخش دفاع و امنیت با نهادهای حاکمیتی به‌خوبی پرداخته نشده است.
۳. در خصوص چگونگی حفظ اطلاعات نیروهای مسلح نیز مطالعه‌ای مشاهده نشده است.

۳-۱. طرح تحقیق

با توجه به اینکه هدف پژوهش طراحی الگوی مناسب بودجه‌ریزی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تعامل با نهادهای حاکمیتی است؛ بر این اساس ابتدا به‌منظور تعیین نحوه تعامل نهادهای حاکمیتی با ارگان‌های مربوطه، به بررسی تأثیرگذاری متغیرهای بکار رفته در مدل پرداخته و سپس به ارائه الگوی متناسب جهت بهبود نظام بودجه‌ریزی نیروهای کل مسلح می‌پردازیم.

۳-۲. روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر کاربردی-توسعه‌ای است؛ چراکه تحقیق حاضر در عمل به حل مشکلات دفاعی و امنیتی کمک می‌کند و از سویی به توسعه علم از طریق ارائه چارچوب‌ها و سازوکارها کمک می‌نماید و روش تحقیق آمیخته است. زیرا از داده‌های کیفی و کمی استفاده می‌گردد. پس از تحلیل کیفی داده‌های اسناد و مدارک و مصاحبه‌ها از داده‌های پرسشنامه و آمار بودجه‌ای نیز تحلیل کمی خواهد شد.

۳-۳. ابزار گردآوری داده، روایی و پایایی

گردآوری داده‌های موردنیاز پژوهش، یکی از مراحل اساسی پژوهش است و به لحاظ اهمیت آن، باید به‌طور دقیق تعریف و مشخص شود. مرحله گردآوری داده‌ها آغاز فرآیندی است که طی آن پژوهشگر یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای را گردآوری می‌کند و سپس به خلاصه‌سازی یافته‌های تحقیق از طریق طبقه‌بندی و سپس تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌پردازد و فرضیه‌های تدوین شده خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند و پاسخ مسئله پژوهش را به اتکای آن‌ها می‌یابد. برای حفظ اعتبار داده‌های گردآوری شده، پژوهشگر باید داده‌های صحیح را با دقت تمام گردآوری کند (حافظ نیا، ۱۳۸۵). بر این اساس در گردآوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری متغیرهای تحقیق از روش کتابخانه‌ای و از حیث جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه، از روش میدانی بهره‌گیری شده است. در این تحقیق از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است بطوریکه به‌منظور

بررسی کیفی و کمی به ترتیب از پرسشنامه ۹ سؤالی و پرسشنامه محقق ساخته ۳۵ سؤالی بهره‌گیری شد.

جدول ۱: نحوه تقسیم‌بندی سؤالات پرسشنامه

ردیف	مؤلفه‌ها	شماره سؤالات
۱	دولت	۱-۲-۷-۸-۹
۲	مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام	۳-۶
۳	ستاد کل نیروهای مسلح	۱۷-۱۰
۴	الگوی مناسب بودجه‌ریزی نیروهای مسلح	۱۸-۱۹
۵	تهیه، پیشنهاد بودجه	۲۰-۲۱
۶	تصویب و ابلاغ بودجه	۲۲-۲۴
۷	نظارت بر بودجه‌ریزی	۲۵-۳۲
۸	اجرای بودجه‌ریزی	۳۳-۳۵

در روش مدل یابی معادلات ساختاری به منظور بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق از چند شاخص معتبر استفاده می‌شود. سنجش بار عاملی، ضریب آلفا کرونباخ از جمله شاخص‌های معتبری است که در تحقیق حاضر از آن‌ها استفاده شده است.

بار عاملی مقدار عددی است که میزان شدت رابطه میان یک متغیر پنهان و متغیر آشکار مربوطه را طی فرآیند تحلیل مسیر مشخص می‌کند. هرچه مقدار بار عاملی یک شاخص در رابطه با یک سازه مشخص بیشتر باشد، آن شاخص سهم بیشتری در تبیین آن سازه ایفا می‌کند. با توجه به نتایج حاصل از ضرایب بار عاملی می‌توان گفت تمامی ضرایب بالاتر از مقدار $0/3$ می‌باشند و نشانگر این است که تمام سؤالات با سطح همبستگی بالا به خوبی متغیرهای مشاهده‌شده را اندازه‌گیری می‌کنند.

در مرحله دوم پایایی از ضریب آلفا کرونباخ بهره‌گیری به عمل آمد که با توجه به نتایج حاصل از مقدار ضریب آلفای کرونباخ می‌توان گفت در مدل پژوهش حاضر ضریب آلفای تمامی شاخص‌ها بزرگ‌تر از $0/7$ به دست آمده است این نشان از پایایی درونی متغیرهای اندازه‌گیری می‌باشد.

جدول ۲: نتایج آلفا کرونباخ

ردیف	مؤلفه‌های پرسشنامه	ضریب آلفا کرونباخ
۱	دولت	۰/۸۲۰۴
۲	مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام	۰/۹۶۵۲
۳	ستاد کل نیروهای مسلح	۰/۹۳۵۰
۴	الگوی مناسب بودجه‌ریزی نیروهای مسلح	۰/۸۶۱۶
۵	تهیه، پیشنهاد بودجه	۰/۸۵۸۹
۶	تصویب و ابلاغ بودجه	۰/۸۲۲۵
۷	نظارت بر بودجه‌ریزی	۰/۹۰۶۸
۸	اجرای بودجه‌ریزی	۰/۸۸۸۲

۳-۴. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق، مدیران و اعضای باتجربه نهادهای حاکمیتی (ستاد کل نیروهای مسلح، قوه مقننه، قوه مجریه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان) است که به‌طور مستقیم در بودجه‌ریزی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، یا تأمین منابع مالی بخش دفاع و امنیت و یا سیاست‌گذاری و یا تصویب آن‌ها و نظارت، مؤثر بوده و حداقل ۱۰ سال در این حوزه فعالیت داشته‌اند که تعداد این افراد ۱۰۰ نفر شد که مطابق با نمونه‌گیری هدفمند در این تحقیق بر اساس اشباع نظری تعداد ۹۷ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

۴-۱. برازش مدل اندازه‌گیری

به‌منظور بررسی میزان برازش مدل اندازه‌گیری تحقیق از دو معیار پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده بهره‌گیری و نتایج آن‌ها در جداول ۳ و ۴ زیر آورده شده است.

جدول ۳: نتایج پایایی ترکیبی سازه‌های تحقیق

ردیف	متغیرها	پایایی ترکیبی (CR)
۱	دولت	۰/۸۶۹۰
۲	مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام	۰/۹۷۴۶
۳	ستاد کل نیروهای مسلح	۰/۹۴۸۸
۴	الگوی مناسب بودجه‌ریزی نیروهای مسلح	۰/۸۴۹۶
۵	تهیه، پیشنهاد بودجه	۰/۹۳۱۸
۶	تصویب و ابلاغ بودجه	۰/۷۴۸۴
۷	نظارت بر بودجه‌ریزی	۰/۹۳۰۳
۸	اجرای بودجه‌ریزی	۰/۹۲۹۸

با توجه به نتایج حاصل می‌توان گفت در مدل پژوهش حاضر مقدار ضریب پایایی ترکیبی متغیرهای تحقیق بزرگ‌تر از ۰/۷ به‌دست‌آمده است و این نشان از پایایی درونی متغیرهای اندازه‌گیری می‌باشد.

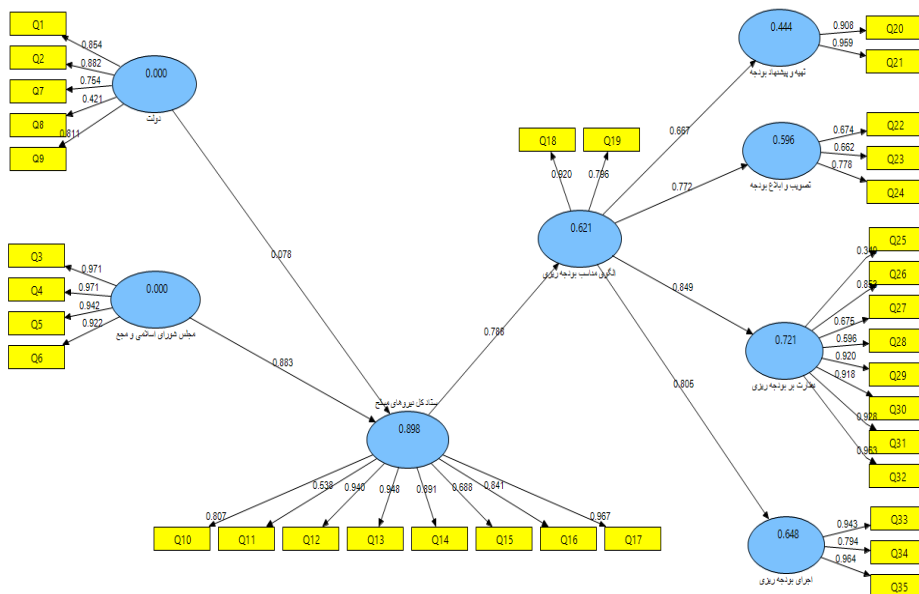
جدول ۴: نتایج میانگین واریانس استخراج‌شده سازه‌های تحقیق

ردیف	متغیرها	میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE)
۱	دولت	۰/۵۸۲۳
۲	مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام	۰/۹۰۵۸
۳	ستاد کل نیروهای مسلح	۰/۷۰۴۲
۴	الگوی مناسب بودجه‌ریزی نیروهای مسلح	۰/۷۳۹۶
۵	تهیه، پیشنهاد بودجه	۰/۸۷۲۴
۶	تصویب و ابلاغ بودجه	۰/۶۹۹۲
۷	نظارت بر بودجه‌ریزی	۰/۶۴۱۲
۸	اجرای بودجه‌ریزی	۰/۸۱۶۴

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از محاسبه معیار میانگین واریانس استخراج‌شده، مقدارهای بالاتر از ۰/۵ قابل قبول است؛ بر این اساس لذا روایی همگرا در سازه‌های تحقیق برقرار می‌باشد به‌عبارت‌دیگر همبستگی هر سازه با شاخص خود در حد قابل قبولی می‌باشد.

۲-۴. برازش مدل ساختاری

به منظور بررسی برازش مدل ساختاری و پاسخگویی به فرضیات مدل در نظر گرفته شده تخمین زده شد و نتایج آن در جدول ۵ آورده شده است.



شکل ۱: تخمین ضرایب استاندارد شده مدل تحقیق

جدول ۵: نتایج الگوی معادلات ساختاری وضعیت رد یا قبول فرضیات تحقیق

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر کل	اعداد معناداری	نتیجه تأیید (یا رد فرضیه)
دولت	ستاد کل نیروهای مسلح	۰/۰۷۸	۰/۴۸۷	رد فرضیه
مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام	ستاد کل نیروهای مسلح	۰/۸۸۳	۶/۰۸۷	تأیید فرضیه
ستاد کل نیروهای مسلح	الگوی مناسب بودجه‌ریزی نیروهای مسلح	۰/۷۸۸	۲۶/۹۱۳	تأیید فرضیه

۵. بحث و نتیجه گیری

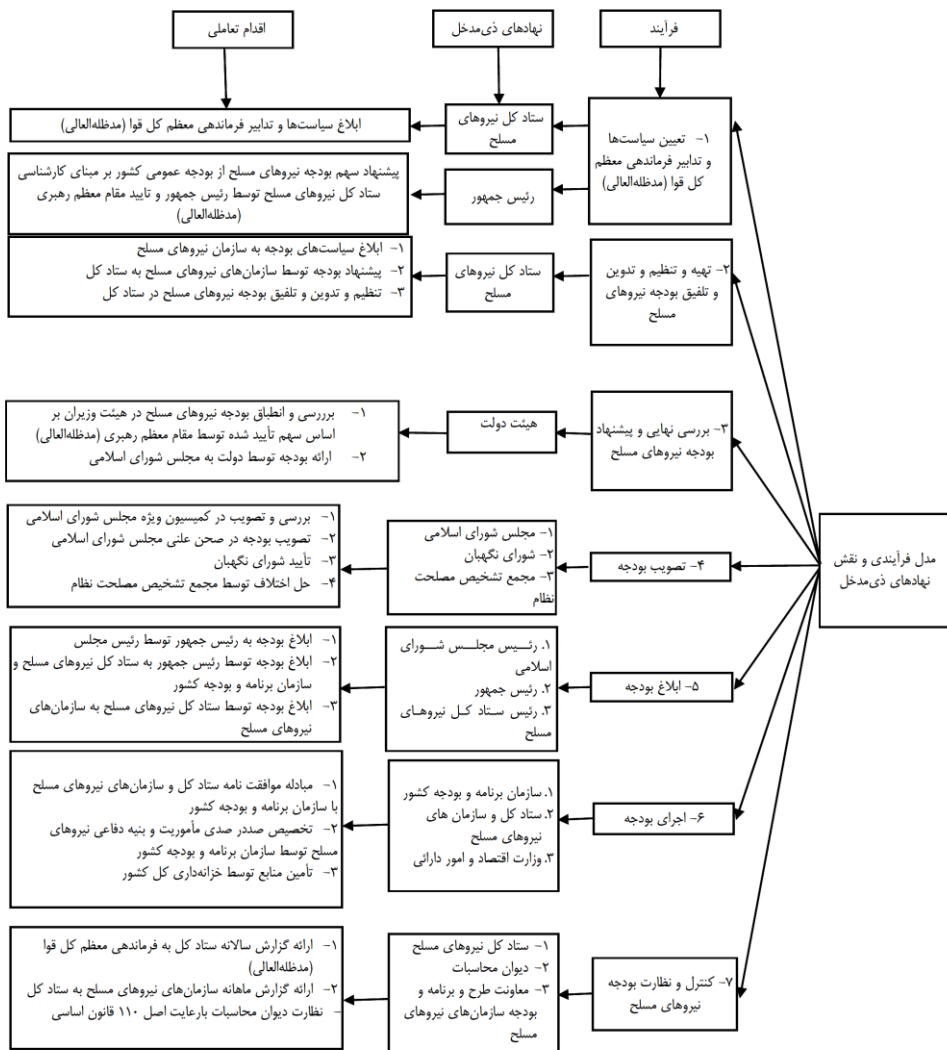
با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول عدم وجود تعامل بین دولت و ستاد کل نیروهای مسلح در زمینه تهیه و تنظیم و پیشنهاد و اجرای بودجه ریزی به اثبات رسید؛ لذا این عدم تعامل را می توان ناشی از این دانست که منشأ اهداف و مأموریت های نیروهای مسلح از سوی دیگر و بودجه آن سرمنشأ دیگری دارد؛ بر این اساس دیدگاه و جهت گیری دولت ها نسبت به بودجه ریزی نیروهای مسلح در سطح پایین تری قرار گرفته و این امر موجب می شود تا در زمینه تهیه تنظیم و پیشنهاد و اجرای بودجه ریزی نیروهای مسلح تعلل ورزی نمایند و ستاد کل نیروهای مسلح را با مشکلات عدیده ای روبرو سازند. از طرف دیگر دولت ها معمولاً در ابتدای ۴ سال خدمت خود به علت محرمانه بودن مأموریت ها و هزینه کردهای نیروهای مسلح، درک درست و تعریف مشخصی از مفهوم دفاع و امنیت ملی نداشته و به همین جهت اولویت لازم را در اجرای آن نمی بیند.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم تحقیق مبنی بر وجود تعامل بین مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و ستاد کل نیروهای مسلح می توان گفت ارتباط مناسب میان سازمان های نیروهای مسلح با نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حوزه های انتخابیه و همچنین اهمیت مقوله امنیت ملی در میان مردم از جمله عواملی هستند که سبب به وجود آمدن تعامل مناسب بین مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام با ستاد کل نیروهای مسلح گردیده است؛ از سوی دیگر در بین نمایندگان مجلس، نمایندگانی نیز وجود دارند که به شدت علاقه مند به مقوله دفاع و امنیت ملی بوده و عنایت و توجه ویژه ای در ایام تصویب بودجه نیروهای مسلح به این موضوع دارند.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم تحقیق مبنی بر مؤثر بودن نقش ستاد کل نیروهای مسلح در طراحی الگوی مناسب بودجه ریزی نیروهای مسلح می توان گفت توجه و عنایت ویژه فرمانده معظم کل قوا به موضوعات دفاعی و امنیت ملی تأکید بر هماهنگی بیشتر قوا با نیروهای مسلح موجبات این را فراهم می آورد تا ستاد کل نیروهای مسلح نقش متمرکزی را در بودجه ریزی نیروها از خود ایفا نماید؛ از سوی دیگر ایجاد نظام واحد

جهت تهیه، تنظیم و پیشنهاد بودجه سازمان‌های نیروهای مسلح باعث شده است تا ستاد کل به‌عنوان حلقه اصلی و واسط نقش بسیار مؤثری را ایفا نماید؛ همچنین از دیگر عواملی که بر نقش ستاد کل نیروهای مسلح در بودجه‌ریزی نیروهای مسلح تأکید دارد، اعمال نظارت درون‌سازمانی ستاد کل بر سازمان‌های زیر نظر خود می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق الگوی زیر در رابطه با بودجه‌ریزی نیروهای مسلح در تعامل با نهادهای حاکمیتی پیشنهاد می‌گردد.



شکل ۲: الگوی فرآیندی مناسب بودجه‌ریزی نیروهای مسلح ج.ا.ا.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- احمدی، علی محمد، (۱۳۹۰)، اصول و مبانی بودجه‌ریزی، با تأکید بر بودجه‌ریزی عملیاتی، نشر نور علم.
- آقا محمدی، داوود؛ اسحاقی، جمشید؛ بخش میدانی، علیرضا و توحیدی، ارسطو. (۱۳۹۴). آسیب شناسی نظام طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی نیروهای مسلح و ارائه الگوی راهبردی مناسب برای آن، رساله دکترا، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- صفری، سعید و غلام‌رضایی، داوود. (۱۳۸۵). طراحی الگوی بودجه‌ریزی عملیاتی دستگاه‌های اجرایی کشور. دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال سوم، شماره ۸.
- طالب‌نیا، قدرت‌اله و غازانی، محمدمنظور. (۱۳۸۹). بررسی موانع و مشکلات پیاده‌سازی بودجه‌ریزی عملیاتی در ناجا. فصلنامه اندیشه آماد، شماره ۳۵. ۱۰۱-۱۲۶.
- عباسیان نقنه، سلمان. (۱۳۹۵). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر آینده‌پژوهی بر بودجه‌ریزی سازمان‌های دفاعی آجا با استفاده از روش (GAHP). آینده‌پژوهی دفاعی، شماره ۳. ۸۷-۱۱۱.
- لطفی جلال‌آبادی، مصطفی؛ غلامی کرین، محمود؛ امیری، حسن و موسوی، سید علی. (۱۳۹۵). تبیین الزامات بودجه‌ریزی سازمان‌های دفاعی آینده با استفاده از روش دلفی. فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، ۸۹-۱۰۷.
- متقی، ابراهیم. عناصر مؤثر بر استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر برنامه اول توسعه (قسمت دوم). فصلنامه بررسی‌های نظامی - شماره ۲۴.
- مجردی، سعید؛ حاجی سالم، غفار و اسحاقی، جمشید (۱۳۹۶)، تحلیل میزان و ترکیب اعتبارات بخش دفاع بر مبنای شاخص جهانی نظامی‌گری و شاخص نیاز دفاعی

ب. منبع لاتین

- Jeff Mason, Trump signs defense policy bill with watered-down China measures, August ۱۴, ۲۰۱۸, Reuters: <https://www.reuters.com/article/us-usa-trump/trump-signs-defense-policy-bill-with-watered-down-china-measures-idUSKBN1KY۲۴۹>